



سازمان سیاسی جنبش کارگران بی زمین برزیل

پرونده شماره ۷۵
تری کتیننتال: مؤسسه پژوهش های اجتماعی
آوریل ۲۰۲۴



مترجم فارسی: ع. علوی
آماده‌سازی و انتشار: خانه آمریکای لاتین
اردیبهشت ۱۴۰۴

آثار هنری موجود در این پرونده برای فراخوان هنری «چهل سال جنبش کارگران بی‌زمین» که توسط جنبش کارگران بی‌زمین (MST)، تری‌کنتیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، جنبش‌های آلبا و مجمع بین‌المللی مردم سازماندهی شده بود، خلق شده‌اند.

ما بی‌نهایت از بیش از ۱۵۰ هنرمندی که سهم و همبستگی‌شان در این فرایند، علاوه بر ارائه بازتاب‌هایی در مورد چالش‌های پیش رو، به مبارزه طبقه کارگر، به‌ویژه مبارزه دهقانان غنا و زیبایی بیشتری می‌بخشد، سپاسگزاریم.

هنرمندان به ترتیب درج اثر: تارسیسیو لئوپولدو و ونسا دیاس دینیز (جلد)، جودی دونارته، دودا اولیوا، ویه‌نو، نیکلاس آنتونس، فابریسیو رانخل، ناتالیا گریگورینی

سازمان سیاسی جنبش کارگران بی زمین برزیل



پرونده شماره ۷۵ | تری کتیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی
آوریل ۲۰۲۴



مقدمه

در سپتامبر ۱۹۸۲، سی کارگر روستایی و بیست و دو عضو کاتوزی [عیسوی] در جلسه‌ای در گویانیا، در منطقه مرکزی-غربی برزیل شرکت کردند. این جلسه توسط کمیسیون زمین شبانی (شاخه‌ای از کلیسای کاتولیک که از الهیات رهایی‌بخش الهام گرفته بود) برگزار شد. این گروه کوچک از کارگران بعدها اولین اعتراضات دهقانی پس از هجده سال سرکوب توسط دیکتاتوری نظامی-تجاری را، که به مدت بیست و یک سال (از ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵) بر برزیل حاکم بود، رهبری کردند.

فضا امیدبخش بود. دیکتاتوری به دلیل ناکامی‌های اقتصادی و از سرگیری مبارزات توده‌ای در برزیل، که عمده‌تاً توسط جنبش کارگری هدایت می‌شد، رو به زوال بود. این جنبش کارگری بعدها رهبران جدیدی پرورش داد و منجر به تأسیس حزب کارگران در سال ۱۹۸۰ و اتحادیه مرکزی کارگران برزیل در سال ۱۹۸۳ شد، فدراسیون اتحادیه‌های کارگری قدرتمندی که در تاریخ کشور نظیر نداشت. پویه‌های مشابهی در سراسر آمریکای لاتین و حوزه کارائیب در جریان بود، زیرا مبارزات رهایی‌بخش در نیکاراگوئه و السالوادور دیکتاتوری‌های نظامی متحد ایالات متحده را به زانو درآورد و موجی از الهام را در سراسر قاره برخیزاند، درست همان‌گونه که انقلاب کوبا سال‌ها پیش موجبش شده بود.

اعتراضات دهقانی، که هنوز نیرویی پراکنده در سراسر پهنه برزیل بودند، با سرکوب سیاسی و همچنین مدرنیزاسیون اجباری کشاورزی از طریق مکانیزاسیون، استفاده گسترده از آفت کش ها، و پرداخت یارانه به املاک بزرگ روستایی مواجه بود که کوچ روستاییان را به همراه داشت. با وجود این، دهقانان از سال ۱۹۷۹ به بعد شروع به اشغال املاک بزرگ در چندین ایالت کردند، در بسیاری موارد با حمایت و مشارکت کمیسیون زمین شبانی. شرکت کنندگان در جلسه گویانیا درباره پیامد احتمالی این اقدامات بحث، و بیانیه ای صادر کردند که بر ضرورت ایجاد یک جنبش دهقانی ملی و مستقل که برای اصلاحات ارضی مبارزه کند، تأکید می کرد. این جلسه دو سال بعد، در سال ۱۹۸۴، زمانی که جنبش کارگران بی زمین برزیل در جلسه ای در کاسکاول، پارانا، با حضور نودودو رهبر دهقان تأسیس شد، به ثمر رسید.

تا سال ۱۹۹۶، جنبش کارگران بی زمین در تمام مناطق برزیل فعالیت داشت و هزاران خانواده را صاحب زمین کرده بود، و سکونتگاه های تحت اصلاحات ارضی انجام شده توسط آن، حمایت و همبستگی تعدادی از سازمان ها و افراد چپ گرای برزیلی و بین المللی را جلب کرده بود. با این حال، جنبش هنوز یک بازیگر سیاسی مهم در کشور تلقی نمی شد، زیرا برای بخش اعظم جمعیت شهری برزیل ناشناخته بود. این وضعیت خیلی زود تغییر کرد. در آن سال، هزاران دهقان به سمت بلم، پایتخت ایالت پارا در منطقه آمازون، راهپیمایی کردند تا خواستار جلسه عمومی با فرماندار شوند. در رأس راهپیمایی، اوزیل آلوس نوزده ساله قرار داشت که وظیفه داشت با شعارها و کلمات انگیزاننده، روحیه همزمانش را بالا نگه دارد.

در ال دورادو دو کاراژاس (در جنوب پارا)، دهقانان توسط پلیس و مردان مسلحی که

مزدور شرکت‌های قدرتمند منطقه بودند، محاصره شدند. پلیس تشخیص داد اوزیل در شمار رهبران جمع است، او را از گروه جدا کرد و در حالی که سلاح به سویش نشانه رفته بود به او دستور داد زانو بزند و کلماتی را که دقایقی پیش در بلندگو گفته بود، تکرار کند. اوزیل بدون لحظه‌ای تردید، آخرین کلمات خود را فریاد زد: «زنده باد جنبش کارگران بی‌زمین!»

اوزیل یکی از نوزده کنشگری بود که در آنچه به عنوان قتل عام الدورادو دوس کاراژاس مشهور شد، کشته شدند.

روزهای پس از قتل عام توسط سباستیانو سالگادو، عکاس مشهور بین‌المللی ثبت شد. این عکس‌ها، همراه با موسیقی شیکو بوارکه د اولاندا، خواننده-ترانه‌سرا، و نشر نویسنده پرتغالی ژوزه ساراماگو، در نمایشگاهی با عنوان *Terra* (زمین) عازم سفری به سرتاسر جهان سفر شد.

باین حال، این تراژدی نبود که جنبش کارگران بی‌زمین را به یک نیروی سیاسی شناخته‌شده تبدیل کرد، بلکه نحوه واکنش جنبش به سرکوب بود. در فوریه سال بعد، در تقابل با مصونیت پلیس و فلج شدن اصلاحات ارضی، ۱۳۰۰ کنشگر جنبش یک راهپیمایی طولانی را از سه مبدأ در سه نقطه مختلف کشور شروع کردند که قرار بود در ۱۷ آوریل ۱۹۹۷، دقیقاً یک سال پس از قتل عام الدورادو دو کاراژاس، به پایتخت، برازیلیا، برسد. در آن زمان، وزیر توسعه ارضی تنها به این دلیل پذیرفت با راهپیمایان دیدار کند که معتقد بود آن‌ها هرگز مسیر تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتری تا برازیلیا را به پایان نخواهند رساند. باین حال، سه ستون [کنشگران] جنبش با

یکصد هزار حامی طبق برنامه وارد پایتخت شدند-مهم‌ترین اقدام سیاسی علیه دولت نولیبرال فرناندو انریکه کاردوسو، رئیس‌جمهور وقت. این نمایش قدرت و سازماندهی، جنبش کارگران بی‌زمین را به یک بازیگر اصلی در سیاست برزیل تبدیل کرد-موقعیتی که تا به امروز حفظ کرده است.

هشت سال بعد، در دوره ریاست‌جمهوری لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا (متحد قدیمی و حامی مبارزه برای اصلاحات ارضی)، جنبش کارگران بی‌زمین یک راهپیمایی ملی را سازماندهی کرد تا توجه دولت را به تأثیر مالی سازی کشاورزی افزایش دهد و خواستار یک طرح ملی جدید برای اصلاحات ارضی شود.^[۱] از ۲ تا ۱۷ مه ۲۰۰۵، پانزده هزار کارگر بی‌زمین هر روز در طول مسیر خود چادر زدند و در عمل یک شهر کوچک متحرک با زیرساخت‌هایی مانند سرویس‌های بهداشتی، آشپزخانه‌هایی که برای همه راهپیمایان غذا تهیه می‌کردند، و امکاناتی که به کودکانی که والدین خود را همراهی می‌کردند امکان می‌داد در پایان هر روز به درس و مشق خود برسند، ایجاد کردند. برای اطمینان از سازماندهی در صفوف، یک فرستنده بی‌سیم قابل حمل پیام‌هایی به گیرنده‌هایی که توسط دهقانان حمل می‌شد، می‌فرستاد. پس از راهپیمایی، ارتش برزیل از یکی از رهبران جنبش دعوت کرد تا در دانشکده جنگ (*Escola Superior de Guerra*) سخنرانی کند تا یاد دهد چگونه یک جنبش مردمی به چنین سطح بالایی از سازماندهی دست یافته است.

چهار دهه پس از زمان تأسیس، جنبش کارگران بی‌زمین به دستاوردهای قابل توجهی رسیده است: از جمله، ۴۵۰٬۰۰۰ خانوار حق قانونی تملک زمین خود را به دست آورده‌اند، که به سکونتگاه‌های اصلاح ارضی تبدیل شده‌اند. ساکنان شهرک‌ها

۱۹۰۰ انجمن دهقانی و همچنین ۱۸۵ تعاونی تشکیل داده‌اند، از تعاونی‌های تولید کشاورزی محلی گرفته تا تعاونی‌های بازاریابی و ارائه خدمات که در سطح منطقه‌ای فعالیت می‌کنند. بخشی از آنچه در شهرک‌ها تولید می‌شود در ۱۲۰ سایت صنعتی کشاورزی متعلق به جنبش فرآوری می‌شود. علاوه بر شهرک‌ها (assentamentos)، که مالکیت قانونی زمین را به دست آورده‌اند، ۶۵۰۰۰ خانوار سازمان‌یافته دیگر در اردوگاه‌های اسکان غیررسمی (acampamentos) زندگی می‌کنند و برای به رسمیت‌شناسی [حق] قانونی [بر] زمین مبارزه می‌کنند.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا جنبش کارگران بی‌زمین تنها جنبش اجتماعی دهقانی در تاریخ برزیل است که توانسته بیش از یک دهه در برابر قدرت سیاسی و اقتصادی و نظامی زمین‌داران بزرگ برزیل دوام بیاورد. یکی از توضیحات اصلی برای این‌که چگونه این جنبش توانسته علی‌رغم چنین نابرابری نیروها مقاومت کند و به رشد خود ادامه دهد، قدرتی است که از پایگاه توده‌ای و شیوه‌های سازمانی خود می‌گیرد. دلیل دیگر برای انعطاف‌پذیری جنبش، همبستگی، هم در داخل کشور و هم در سطح بین‌المللی است. اگرچه جنبه‌های بسیاری از مبارزه جنبش وجود دارد که سزاوار بحث بیشتر است (مانند رویکرد آموزشی جنبش،^[۲] آموزش سیاسی، سازماندهی زنان، تولید بوم‌شناختی کشاورزی و سازماندهی تعاونی‌ها)، این پرونده بر تاکتیک‌های جنبش کارگران بی‌زمین متمرکز است. امید است که این تجربه—که بر بستر [شرایط خاص] برزیل شکل گرفته و بدون تلاش برای ارائه فرمول‌های مشخص—بتواند به تأملات و تلاش‌های سازمانی سایر جنبش‌های خلقی و دهقانی در سراسر جهان کمک کند.



مسئله ارضی در برزیل

از قرن شانزدهم به بعد، آنچه اکنون برزیل است به عنوان یک مستعمره صادراتچی مبتنی بر مالکیت زمین در مقیاس بزرگ، کار بردگان و تولید تک کشتی صادرات محور بنیان گذاری و سازماندهی شد. با توسل به باروت و صلیب، تشکیلات استعماری پرتغال گسستی خشونت آمیز با شیوه زندگی جوامع بومی ایجاد کرد و مفهومی را که برای آن ها بیگانه بود معرفی کرد: مالکیت خصوصی کالاهای مشترک طبیعی.^[۳]

در سال ۱۸۵۰، در مواجهه با پایان قریب الوقوع برده داری به دلیل جنبش های الغای برده داری و شورش های مردم به بردگی گرفته شده، امپراتوری برزیل اولین قانون ارضی کشور را برای جلوگیری از دسترسی بردگان آزاد شده به بزرگ ترین منبع ثروت کشور تصویب کرد: زمین. از طریق این قانون، زمین به کالا تبدیل شد. علاوه بر این، الگوی کشت، متمرکز بر املاک بزرگ که متکی بر تک کشت صادرات محور و بهره کشی بیش از حد از نیروی کار بودند، به تنها امر ثابت در تاریخ برزیل تبدیل می شد، صرف نظر از این که برزیل مستعمره پرتغال بود یا یک کشور مستقل، خواه سلطنتی بود یا جمهوری، و صرف نظر از این که نظام حکومتی پارلمانی داشت یا ریاست جمهوری.

مسئلهٔ ارضی یک موضوع مرکزی در تاریخ برزیل و دلیل بسیاری از شورش‌ها، طغیان‌ها و جنبش‌های مردمی بوده است، از مقاومت بومیان و شورش‌ها علیه برده‌داری گرفته تا تشکیل جوامع کیلومبو^[۴] و اولین جنبش‌های دهقانی و کارگری. نقش دولت در دفاع از منافع زمین‌داران و سرکوب فقرا به‌ویژه شایان توجه است. درحالی‌که جمعیت‌های بومی و برده‌های به‌بردگی گرفته‌شده عمده‌تأ توسط شبه‌نظامیان [مزدور] خصوصی مورد آزار و حمله قرار می‌گرفتند، ارتش جمهوری نویناد برای سرکوب جنبش‌ها در کانودوس (۱۸۹۷)، جامعه‌ای خودگردان متشکل از ۲۵٬۰۰۰ دهقان، کونتستادو (۱۹۱۶)، شورش مسلحانهٔ کشاورزانی که سعی داشتند از تصرف زمین‌هایشان توسط یک شرکت راه‌آهن آمریکایی جلوگیری کنند، و سایر تشکلهایی مانند اتحادیه‌های دهقانی، که قبل از کودتای نظامی-تجاری سال ۱۹۶۴ برای اصلاحات ارضی مبارزه می‌کردند، به خدمت گرفته شد. در نتیجهٔ قرن‌ها سرکوب، برزیل قرن بیست‌ویکم همچنان کشوری با دومین سطح بالای تمرکز زمین در سیاره است، عنوانی که در طول قرن گذشته داشته است، که ۴۲/۵ درصد از زمین‌ها در اختیار کمتر از یک درصد جمعیت قرار دارد. در همین حال، ۴/۵ میلیون دهقان بی‌زمین وجود دارد.

اگرچه دشمنان طبقاتی کارگران روستایی بی‌زمین، زمین‌داران بزرگ و شرکت‌های فراملیتی هستند که زمین را برای تولید کالاها تصاحب می‌کنند، بخشی از فشار ایجادشده توسط جنبش‌های مردمی نیز باید متوجه دولت شود. این ضرورت تا حدی ناشی از ماهیت قانون اساسی برزیل است، که در سال ۱۹۸۸ پس از سقوط دیکتاتوری تصویب شد و دارای اصول مترقی متعدد است—ازجمله برخی مفاد مرتبط با اصلاحات ارضی—زیرا در کشاکش ظهور مبارزات توده‌ای مردمی تدوین

شده است. برای مثال، اصل ۱۸۴ مقرر می‌دارد که املاک روستایی باید کارکرد اجتماعی داشته باشند، مولد باشند و حقوق کار و محیط زیست را رعایت کنند. دولت حق دارد زمین‌هایی را که این معیارها را برآورده نمی‌کنند مصادره کند، هرچند باید قبل از انتقال سند به مالکیت عمومی یا اعطای حقوق زمین به خانوارهای بی‌زمینی که در آنجا مستقرند، به مالک غرامت بپردازد.

با این حال، در چند دهه گذشته، نحوه اداره املاک بزرگ به شیوه‌ای موسوم به کشاورزی تجاری تغییر کرده، که منجر به تبدیل برزیل به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آفت‌کش‌ها در جهان شده است، با حدنصاب مصرف ۱۳۰'۰۰۰ تن در سال ۲۰۲۳. سرمایه مالی بین‌المللی، که اکنون کل زنجیره تولید روستایی را، از تأمین بذر تا فروش محصولات صنعتی کشاورزی در دست دارد، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در املاک بزرگ و غیرمولد که برای سوداگری استفاده می‌شوند، انجام داده است. در سال ۲۰۱۶، بیست شرکت خارجی ۲/۷ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی برزیل را در تملک داشتند. این زمین‌ها برای تک‌کشت صادرات محور استفاده می‌شوند، که اکنون به کالاهایی (محصولات اولیه که در مقیاس بزرگ مطابق با استانداردهای جهانی معامله می‌شوند) به عنوان دارایی‌های مالی و سوداگرانه تبدیل شده‌اند و در بورس سهام و کالا معامله می‌شوند. در سال ۲۰۲۱، تنها پنج کالا-سویا، ذرت، پنبه، نیشکر و احشام-۸۶ درصد از زمین‌های کشاورزی برزیل را به خود اختصاص داده بود و همچنین ۹۴ درصد از حجم تولید و ۸۶ درصد از ارزش آن را تشکیل می‌داد.

این قدرت اقتصادی همچنین در قدرت سیاسی نمود می‌یابد، چنان‌که این واقعیت

نشان می‌دهد افرادی که نمایندهٔ منافع بخش کشاورزی تجاری هستند در هر دولتی طی سه دههٔ گذشته مناصب وزارتی داشته‌اند. جناح رورالیستا، یک سازمان چندحزبی از نمایندگان منتخب متعهد به دفاع از منافع کشاورزی تجاری، ۳۲۴ عضو، یا ۶۱ درصد از کنگره و ۵۰ عضو، یا ۳۵ درصد از سنا را گرد هم می‌آورد. این امر قدرت کافی برای تصویب قوانین مقررات‌زدایی محیط زیستی و زمین را به این گروه داده است و در دو دههٔ گذشته جنبش کارگران بی‌زمین را از طریق کمیسیون تحقیق مجلس به چهار نوبت تفحص کشانده است. هیچ سازمان مردمی دیگری در تاریخ برزیل هدف این همه تلاش برای جرم‌انگاری توسط پارلمان نبوده است.

اولین تفحص در سال ۲۰۰۳ رخ داد و هدفش این بود که دولت وقت لولا را مجبور کند از جنبش فاصله بگیرد و همچنین از تخصیص بودجهٔ عمومی به اصلاحات ارضی جلوگیری و مبارزه برای [دستیابی به] زمین را جرم‌انگاری کند. تحقیقات کمیسیون مذکور در سال ۲۰۲۳، که توسط اعضای هستهٔ افراطی‌تر ائتلاف رئیس‌جمهور سابق، ژائیر بولسونارو هدایت می‌شد، اهداف مشابهی برای اعمال فشار بر دولت جدید لولا داشت، که حزب کارگران را پس از یک کودتای قضایی و ۵۸۰ روز زندانی‌شدن لولا، نامزد حزب، به قدرت بازگردانده بود. با این حال، [این تلاش‌ها] نتیجهٔ معکوس داد. در زمان انجام تحقیقات ۲۰۲۳، تصویر عمومی به دلیل فعالیت‌های همبستگی که در طول همه‌گیری کووید-۱۹ انجام داده بود، تقویت شده بود. این به نوبهٔ خود همبستگی با جنبش را افزایش داد و در نتیجه کمیسیون را از حمایت سیاسی یا رسانه‌ای محروم کرد، چنان‌که حتی نتوانست گزارش نهایی را تصویب کند.

این دستاورد کوچکی نیست، با توجه به سیطره کشاورزی تجاری در جامعه برزیل، که نه تنها بر یک صنعت فرهنگی پیچیده و قدرتمند، از تلویزیون گرفته تا موسیقی، بلکه همچنین بر روش‌های عهد دقیانوسی خشونت و سرکوب بنا شده است. این امر در نظرسنجی سال ۲۰۲۲ کمیسیون زمین شبانی مشهود است، که ۲۰۱۸ مورد درگیری اجتماعی در روستا را ثبت کرد-افزایش ۳۳/۶ درصدی نسبت به میانگین سال ۲۰۱۶-و ۴۷ فقره قتل مرتبط با مسائل زمین یا محیط زیست.

اما، علی‌رغم این که کشاورزی تجاری در عمق جامعه و اقتصاد و سیاست برزیل ریشه دوانده، تنها الگوی کشاورزی به شمار نمی‌آید، و الگویی نیست که به نیازهای اکثریت یا سیاره پاسخ دهد. جنبش کارگران بی‌زمین در طول سومین کنگره ملی‌اش در سال ۱۹۹۵، برای اولین بار برنامه اصلاحات ارضی خود را ارائه و تصویب کرد، بر اساس تحلیلی از مبارزه طبقاتی در روستاهای برزیل و مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تغییر ساختار مالکیت زمین برزیل و شرایط زندگی روستایی. در سال ۲۰۱۵، برنامه با یک تغییر نظری و ساختاری مهم روزآمد شد: در حالی که احزاب سیاسی و دانشگاه‌ها ماهیت کشاورزی تجاری در برزیل را درک نکردند و حتی از آن استقبال کردند، جنبش کارگران بی‌زمین یک تعریف جمعی از این اصطلاح تحت عنوان «حضور سرمایه مالی فراملیتی در روستا برای تولید کالاها» به دست داد.

علاوه بر این، جنبش هشدار داد که صرف وجود کشاورزی تجاری و پیوندهای آن با دولت، از پیشرفت هر نوع اصلاحات ارضی مرسوم در چارچوب سرمایه‌داری، که در آن زمین صرفاً بازتوزیع یا دسترسی به آن دموکراتیک می‌شود، جلوگیری می‌کند.

در این زمینه، جنبش تاکتیک‌ها و برنامه‌های ارضی خود را با ایجاد یک مفهوم جدید بازتعریف کرد: اصلاحات ارضی خلقی. اصلاحات ارضی خلقی علاوه بر توزیع زمین میان دهقانان، نیاز به تولید غذای سالم برای کل جمعیت را همراه با تغییر فرایند تولید فعلی، که برپایه کشاورزی تجاری است، به الگویی بر اساس بوم‌شناسی کشاورزی، که کالاهای مشترک طبیعی را پاس می‌دارد، مورد بحث قرار می‌دهد. این تغییر همچنین به ایجاد اتحاد بیشتر با کارگران شهری کمک کرد، که بزرگ‌ترین ذینفعان دسترسی به غذای سالم و مقرون‌به‌صرفه هستند. اصلاحات ارضی خلقی نه تنها به دنبال پیشبرد منافع دهقانان، بلکه در پی منافع کل جامعه است. به عنوان نمونه این امر در درک آن از حاکمیت غذایی، در ظرفیت بالقوه آن برای ایجاد شکل‌های جایگزین اشتغال و درآمد، و تعهد آن به مبارزه با فاجعه زیست‌محیطی منعکس می‌شود.



شیوه‌های مبارزه و آگاهی‌بخشی

جنبش کارگران بی‌زمین سه هدف دارد: ۱) مبارزه برای زمین (یعنی، برای خانواده‌هایی که بخشی از جنبش هستند تا زمین کافی برای بقا از طریق کار خود با کرامت به دست آورند)؛ ۲) مبارزه برای اصلاحات ارضی، که به معنای بازآرایی مالکیت و استفاده از زمین است؛ و ۳) تحول جامعه. برای دستیابی به این اهداف، جنبش از ابتدا خود را به‌عنوان «یک جنبش توده‌ای که در ماهیت، مردمی، شبیه اتحادیه، و سیاسی است» تعریف کرده است. این یک جنبش توده‌ای است زیرا درک می‌کند که همبستگی نیروها تنها با خیل کثیری از افراد سازمان‌یافته می‌تواند به نفع آن تغییر کند. یک جنبش مردمی است زیرا درهای آن برای مشارکت همهٔ کسانی که می‌خواهند برای حق کار بر روی زمین مبارزه کنند، باز است. مانند اتحادیه‌ها ساختار یافته است زیرا مبارزه برای اصلاحات ارضی دارای بُعد اقتصادی است که دستاوردهای عینی و آنی را در بر می‌گیرد، و سیاسی است زیرا می‌داند که اصلاحات ارضی تنها از طریق تحول ساختاری جامعه دست‌یافتنی است.

جنبش کارگران بی‌زمین یک جنبش ملّی است که در بیست‌و‌چهار ایالت از بیست‌وشش ایالت برزیل فعالیت می‌کند. این امر آن را از جنبش‌های پیش از آن متمایز می‌کند، که مقیاس محلی و منطقه‌ای داشتند، و همین وضعیت به نیروهای سرکوبگر امکان می‌داد آن‌ها را منزوی کنند. حضور جنبش در بیشتر نقاط برزیل به

آن امکان می‌دهد تا از شاخه‌های منفرد ایالتی که با چالش‌هایی مواجه هستند حمایت و مبارزات محلی را در سطح ملی تقویت کند.

بنابراین، قدرت جنبش در اندازه و سازماندهی پایگاه آن نهفته است. با وجود این که جنبش از شکل‌های متعدد سازماندهی برخوردار است، که بر اساس هر زمینه و مکان متفاوتند، ویژگی اساسی روش‌شناسی سازمانی آن قرارداد مردم در تکاپو و در مبارزه است. آن‌ها سپس از طریق مبارزه‌شان، آگاهی سیاسی و اجتماعی خود را رشد می‌دهند.

اولین شیوه مبارزه جنبش از طریق اشغال زمین است. قبل یا در طول دوره‌ای که زمین برای اولین بار اشغال می‌شود، جنبش سکونتگاه‌هایی برای خانواده‌های بی‌زمین سازماندهی می‌کند. این خانواده‌ها از طریق فعالیت‌های پایه‌ای سازماندهی می‌شوند، ابتدا با شناسایی مناطقی که دهقانان در آنجا متمرکز هستند، و سپس با برگزاری جلسات. سپس خانواده‌ها در سازماندهی و آماده‌سازی آنچه برای سکونتگاه مورد نیاز است شرکت می‌کنند، به دنبال راه‌هایی برای به‌دست‌آوردن برزنت برای سرپناه‌هایشان، حمل‌ونقل به مکان‌هایی که باید اشغال شوند، و غیره. این سکونتگاه‌ها نقشی را ایفا می‌کنند که کارخانه‌ها در ساخت مبارزات کارگری در قرن نوزدهم و بیستم ایفا می‌کردند. گردهم‌آوردن دهقانان در یک مکان و غلبه بر انزوای جغرافیایی، همکاری و معاشرت‌پذیری را تقویت می‌کند.

وقتی خانواده‌ها به یک سکونتگاه می‌پیوندند، در گروه‌های پایه‌ای ده تا بیست نفری سازماندهی می‌شوند.^[۵] این تعداد کم است تا اعضا بتوانند یکدیگر را بشناسند و از

نفوذ غریبه‌ها جلوگیری کنند. علاوه بر این، با تقسیم‌شدن به گروه‌های کوچک، افراد بیشتری فرصت شرکت در بحث‌ها و بیان دیدگاه خود دربارهٔ سازماندهی سیاسی سکونتگاه را دارند. همهٔ حاضران در این گروه‌ها، از جمله کودکان، حق صحبت دارند. در سکونتگاه‌ها، وظایف به صورت جمعی سازماندهی می‌شوند، مانند جمع‌آوری آب و هیزم، تأمین کمک‌های غذایی، برپایی سرپناه‌ها، تأمین امنیت و آموزش کودکان. این وظایف بر عهدهٔ تیم‌هایی به نام *setores* («بخش‌ها») قرار می‌گیرند، که از اعضای گروه‌های پایه تشکیل شده‌اند به گونه‌ای که هر گروه پایه دست‌کم یک شرکت‌کننده در هر بخش دارد. به این ترتیب، همه در مباحثات و زندگی سیاسی و سازمانی مشارکت می‌کنند، و وظایف در اردوگاه به صورت جمعی انجام می‌شود. صرف‌نظر از تعداد افراد درگیر، جلسات گروه پایه و بخش همیشه از قبل برنامه‌ریزی می‌شوند، با دستورکار مشخص برای بحث، و همیشه توسط یک مرد و یک زن هماهنگ می‌شوند. یکی از اعضای گروه مسئول یادداشت‌برداری در جلسه است تا [صورتجلسه] بتواند توسط کل گروه تأیید شود.

در مورد تصمیماتی که بر کل اردوگاه تأثیر می‌گذارند، گروه‌های پایه مسائل مطرح‌شده را مورد بحث قرار می‌دهند و سپس هماهنگ‌کنندگان آن‌ها با یکدیگر ملاقات می‌کنند، و هر کدام نظر گروه خود را به میان می‌کشند. اگر اجماعی وجود نداشته باشد، با پرسش‌های جدید به گروه‌های خود باز می‌گردند، در تلاش برای ترکیب بحث و دستیابی به تصمیمات جمعی.

در این سکونتگاه‌ها و اشغال‌های زمین، از مجامع عمومی به طور مکرر به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به تصمیمات جمعی در مورد مسائلی مانند اشغال یک ملک

بزرگ یا عقب‌نشینی در یک درگیری استفاده می‌شود. اما مجامع عمومی تنها زمانی کارآمد هستند که همه شرکت‌کنندگان تمام جنبه‌های آنچه را مورد بحث است درک کنند و بحث‌ها به چند گزینه محدود باشد، مانند این که آیا زمین را اشغال کنند یا نه، و آیا در برابر تخلیه اجباری مقاومت کنند یا نه. بنابراین، آن‌ها نه اصلی‌ترین شکل مشارکت در جنبش هستند و نه رایج‌ترین آن.

هنگامی که زمین به‌طور قانونی به دست می‌آید، تبدیل به یک شهرک اصلاحات ارضی می‌شود و خانواده‌ها همچنان در جنبش سازماندهی می‌شوند. یکی از اولین چالش‌هایی که جنبش هنگامی که سکونتگاه‌ها تبدیل به شهرک‌ها می‌شوند با آن مواجه می‌شود، این است که چگونه خانواده‌ها را پس از کسب حقوق قانونی زمین، سازمان‌یافته نگه دارد. بخشی از معاشرت‌پذیری و همکاری که در اردوگاه وجود دارد، در این گذار از دست می‌رود. بنابراین، جنبش برخی راهبردها را برای حفظ «تحرک» ساکنان شهرک‌های اصلاحات ارضی (*assentados*) توسعه داده است.

سال‌ها زندگی و مبارزه در سکونتگاه‌ها قبل از اعطای حقوق قانونی زمین، هویتی را از طریق مبارزه مشترک شکل می‌دهد، که سبب می‌شود ساکنان شهرک‌ها با خانواده‌هایی که هنوز در سکونتگاه‌ها اقامت دارند، همذات‌پنداری کنند. این مبارزه جمعی همچنین ارزش‌هایی مانند انترناسیونالیسم و همبستگی را القا می‌کند. کارگران سازماندهی شده توسط جنبش خود را بی‌زمین (*Sem Terra*)، با حروف بزرگ) می‌نامند. این هویت حتی پس از اعطای حقوق قانونی زمین باقی می‌ماند.

هنگامی که این بی‌زمین‌ها حق قانونی خود بر زمین را به دست می‌آورند و شروع به

ایجاد شهرک اصلاحات ارضی می‌کنند، خواسته‌ها و مبارزات جدیدی مانند دسترسی به اعتبار روستایی، آموزش، بهداشت، فرهنگ و ساختارهای ارتباطی، هم در داخل شهرک‌ها و سکونتگاه‌ها و هم با جامعه به‌طور کلی پدیدار می‌شود. جنبش برای برآوردن نیازهای جدیدی که پدید می‌آید، بر همان ساختار سازمانی که در زمان مبارزه در سکونتگاه‌ها برای به‌رسمیت شناختن قانونی ایجاد کرده بود، تکیه می‌کند. تمام خانواده‌ها در شهرک اصلاحات ارضی در گروه‌های پایهٔ محله سازماندهی می‌شوند، که آن‌ها نیز توسط یک مرد و یک زن هماهنگ می‌شوند که فراخوان جلسات را صادر می‌کنند، تصمیماتی را که گرفته می‌شود پیگیری می‌کنند، و با رهبری شهرک در ارتباط هستند. هر سطح سازمانی در درون جنبش، از سکونتگاه‌ها تا شهرک‌ها، از ایالت‌ها تا مناطق و سراسر کشور، به‌صورت جمعی و دموکراتیک مدیریت می‌شود.

برای جلوگیری از تمرکزگرایی و شخصیت‌پرستی، جنبش هیچ‌گاه یک «رئیس» یا «مدیر» واحد نداشته و ندارد که مسئول تصمیم‌گیری‌های سیاسی باشد یا از سایر کنشگران متمایز باشد. تمام مناصب رهبری نهادهای تصمیم‌گیرنده در جنبش، از گروه‌های پایه تا هیئت اجرایی ملّی، جمعی هستند و دارای دوره‌های دوسالهٔ قابل تمدید. تقسیم کار بر اساس این اصل است: همه باید، کم‌وبیش، مسئولیت‌هایی در درون سازمان داشته باشند تا تمرکز بیش از حد وجود نداشته باشد و هیچ کنشگری با کار بیش از حد روبه‌رو نشود.

به این منظور، وظایف روزانه در سکونتگاه‌ها و شهرک‌ها بین تیم‌هایی توزیع می‌شود که به نیازهایی که پیش می‌آیند پاسخ می‌دهند، مانند سازماندهی آموزش، بهداشت

و مسائل مالی. با پیچیده‌تر شدن شرایط و نیاز به سازماندهی بیشتر، تیم‌های بیشتری تشکیل می‌شوند. آن‌ها در سطح ایالتی و ملی در بخش‌هایی سازماندهی می‌شوند تا وظایف تخصصی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند، مانند تولید؛ جبهه توده‌ای، که اعتراضات و اشغال‌ها را هماهنگ می‌کند؛ آموزش؛ و مهارت‌افزایی. به‌عنوان مثال، یک بخش آموزش متشکل از تمام آموزگاران یا افرادی است که در آموزش در یک منطقه معین از شهرداری‌ها در یک ناحیه درگیر هستند، و پیشنهادهای آموزشی را شرح و بسط می‌دهد و در مدارس این منطقه به‌صورت روزانه کار می‌کند. در بخش تولید، فعالان اقتصاد محلی و تعاونی‌ها، و همچنین فناوری بوم‌شناختی کشاورزی مورد استفاده برای کشت را سازماندهی می‌کنند. در درون بخش‌ها، جنبه‌های مختلف هویت *Sem Terra*، فراتر از هویت آن‌ها به‌عنوان اعضای سکونتگاه‌ها یا شهرک‌ها، به رسمیت شناخته می‌شود و نمایندگی مربوط داده می‌شود، خواه به‌عنوان جوانان، اعضای جامعه دگرباشان، و مانند این‌ها. فعالیت‌ها و جلسات برگزار شده با کودکان «بی‌زمین کوچولو» یا *Sem Terrinhas* در شهرک‌های اصلاحات ارضی و سکونتگاه‌ها، راه دیگری برای اطمینان از مشارکت کامل تمام پایگاه جنبش، صرف‌نظر از سن، هویت، یا غیره است. در ژوئیه ۲۰۱۸، اولین گردهمایی ملی *Sem Terrinhas* در برازیلیا بیش از هزار کودک را گرد هم آورد، و یک اردوگاه موقت برای رویداد برپا کرد که در آن کودکان-که فعالیت‌ها را هدایت می‌کردند، با کمک بزرگسالان-کتاب می‌خواندند، بازی می‌کردند و دربارهٔ مبارزه برای زمین می‌آموختند.

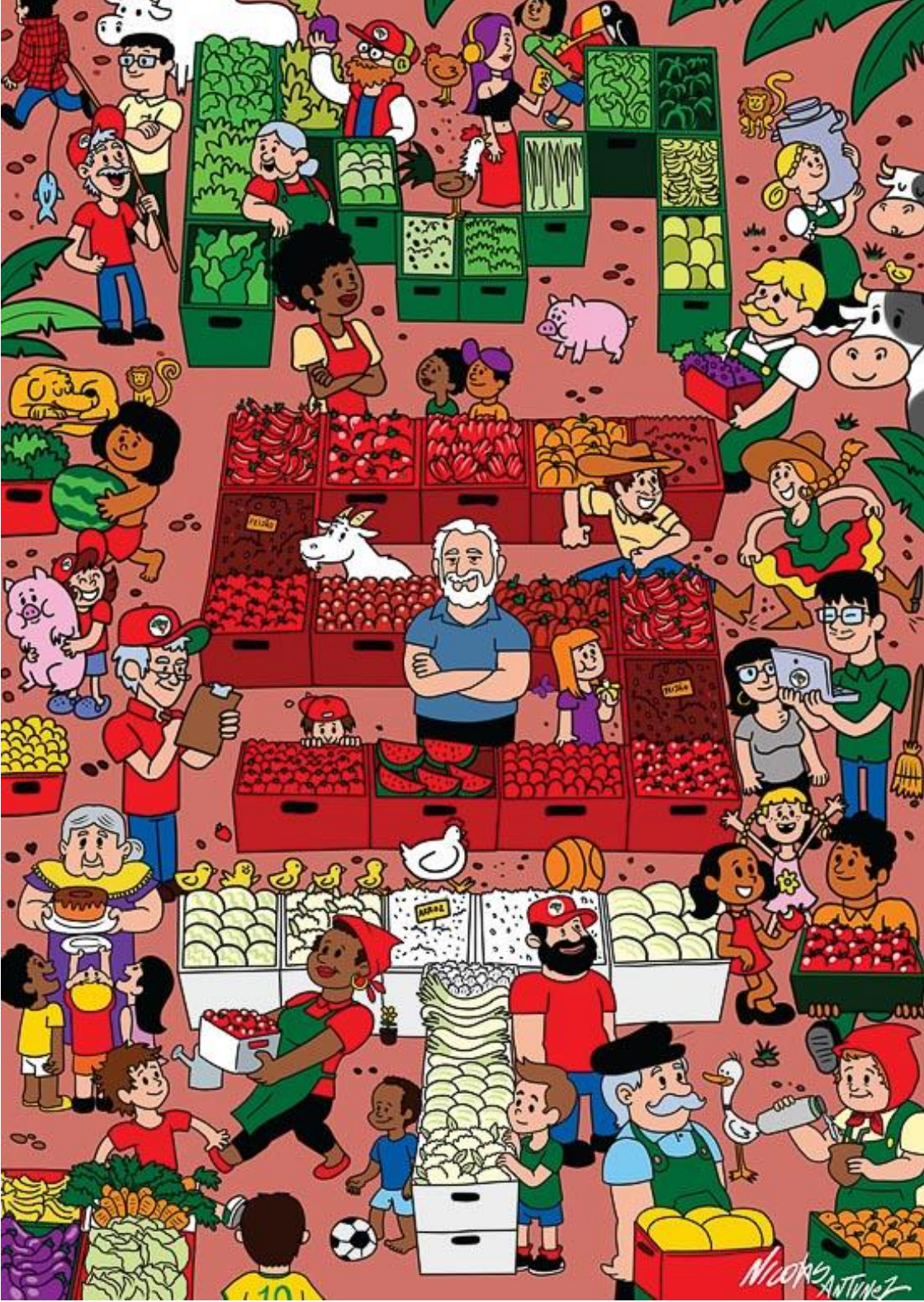
آوردن افراد در کنار هم، ایجاد فضاهایی برای بحث جمعی و قراردادن آن‌ها در تحرک از طریق مبارزه و همکاری ضروری است. این بدان معناست که، اگرچه

جنبش بیشتر به اشغال زمین معروف است، تاکتیک‌های مختلفی بر اساس نیازها و شرایط خود به کار می‌گیرد. از جمله می‌توان به راهپیمایی‌ها (برخی از آن‌ها سراسری، مانند سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵)، اشغال ساختمان‌های عمومی، مسدود کردن جاده‌ها و اعتصاب غذا اشاره کرد.

همین اقدامات عینی و مبارزه است که از خواب‌رفتن آگاهی سیاسی کنشگران در سکونتگاه‌ها و شهرک‌ها جلوگیری می‌کند. به عنوان مثال، همبستگی صرفاً یک امر شعاری یا نظری نیست—جنبش در طول همه‌گیری کووید-۱۹ بیش از شش هزار تن غذا در سراسر برزیل اهدا کرد، که سازماندهی‌اش از طریق آشپزخانه‌ها، باغ‌ها و جوامع همبستگی میسر شد. تنها از اکتبر تا دسامبر ۲۰۲۳، جنبش سیزده تن غذا را به عنوان بخشی از تلاش مداوم برای کمک به قربانیان حملات اسرائیل به باریکه غزه ارسال کرد. از طریق چنین اقداماتی، جنبش با خانواده‌ها در شهرک‌ها و سکونتگاه‌ها گفت‌وگو می‌کند تا نه تنها دربارهٔ کنش همبستگی، بلکه دربارهٔ تولید و برنامه‌ریزی لجستیکی مورد نیاز نیز بحث کنند. در طول این فرایند، خانواده‌ها قادرند دانش عملی در خصوص واقعیت‌های متفاوت از شرایط خود، به‌ویژه محیط‌های شهری را افزایش دهند.

راه مهم دیگری که جنبش آگاهی سیاسی فعالانش را شکل می‌دهد، سازماندهی تعاونی‌هاست. این فرایند نه تنها از نظر ساختار کار تعاونی‌ست، بلکه از نظر چگونگی توزیع مازاد تولیدشده توسط تعاونی‌ها و نحوهٔ سازماندهی خود زمین نیز تعاونی‌ست. به عنوان مثال، *agrovilas* (روستاهای کشاورزی) در داخل شهرک‌ها ایجاد می‌شوند، که خانوارهای منفرد و قطعه‌های زمین‌شان را در خوشه‌های

مسکونی گرد هم می آورند تا به طور جمعی برداشت‌هایشان را هماهنگ کنند، و کار خانگی را با آشپزخانه‌های اداره‌شده به صورت جمعی و ایجاد حلقه‌های کودکان که امکان مراقبت از کودکان را فراهم می‌کند، اجتماعی می‌سازند.



اصول سازمانی جنبش کارگران بی‌زمین

به‌عنوان یک جنبش توده‌ای ملی، جنبش کارگران بی‌زمین استقلال گروه‌های ایالتی، منطقه‌ای و محلی خود را می‌پذیرد. به این ترتیب، هر گروه از خانوارهای سازمان‌یافته، چه در یک شهرک یا سکونتگاه، اختیار تصمیم‌گیری در مورد امور جاری خود را دارند. برای این‌که این سازوکار به شکلی مستقل با انسجام سازمانی عمل کند، وحدت ضروری است. این وحدت به دلیل ویژگی‌هایی که جنبش را از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۸۴ تعریف کرده‌اند، امکان‌پذیر شده است.

هویت و وحدت جنبش، و هر سازمان دیگر، توسط ارزش‌ها، شکل سازماندهی، و اهداف آن تعریف می‌شود. سرکوب هر یک از این اصول، سازمان را تحریف می‌کند و ماهیت آن را تغییر می‌دهد. این ویژگی‌ها در طول چهار دهه گذشته از زمان تأسیس جنبش کارگران بی‌زمین، در اساس بدون تغییر مانده‌اند، اما گاهی برای افزایش مشارکت و بالابردن سطح آگاهی در جنبش توده‌ای، تعمیق و گسترش یافته‌اند.

یکی از این اصول، استقلال در رابطه با احزاب سیاسی، جماعات مذهبی، دولت‌ها و سایر نهادهاست. جنبش کارگران بی‌زمین استقلال خود را در رابطه با سایر سازمان‌ها حفظ می‌کند تا بتواند دستورکار سیاسی خود را تعریف کند. این بدان

معناست که درعین حال که جنبش با احزاب سیاسی و سازمان‌های مذهبی دیگر همکاری می‌کند، این رابطه برادرانه است، نه تبعی. بنابراین، جنبش کارگران بی‌زمین می‌تواند برداشت خود از واقعیت و مبارزه برای زمین را بسازد، و می‌تواند تاکتیک‌هایی را بر اساس ادراکات خود همراه با خواسته‌های خانوارهای سازمان‌یافته ایجاد کند.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، مشارکت برای این‌که جنبش مردمی و توده‌ای باشد ضروری‌ست. در ادامه مثالی از چگونگی گسترش و تعمیق این اصل درعین حفظ جوهر آن آمده است. در ابتدا، مردان بیشتر مناصب هماهنگ‌کنندگی جنبش را در اختیار داشتند. سازماندهی زنان، که از ابتدا بخشی از مبارزه جنبش بود، در طول سال‌ها به چندین شکل رشد کرد، در درجه اول از طریق کلکتیو زنان. این کلکتیو آموزش سیاسی برای سکونتگاه‌ها، اقدامات مستقیم علیه شرکت‌های فراملیتی، و مجال‌های مطالعه در مورد روابط جنسیتی و سرمایه‌داری را، در میان سایر فعالیت‌ها، سازماندهی کرد. در نتیجه کار کلکتیو، جنبش در اواخر دهه ۱۹۹۰ ضابطه‌ای جدید ایجاد کرد که هر موقعیت رهبری باید توسط یک مرد و یک زن اشغال شود. این امر تعداد مشارکت‌کنندگان را دو برابر کرد و شروع به نمایش دقیق‌تری کرد که زنان در سازمان داشتند. این سازوکار اصل دیگری را تقویت کرد: رهبری جمعی.

انضباط برای کارکرد اصول مشارکت و رهبری جمعی اساسی است. برای جنبش کارگران بی‌زمین، انضباط به معنای احترام به تصمیمات جمعی و مواضع سیاسی و پیروی از آن‌هاست. در جنبش تصمیمات به‌ندرت با رأی‌گیری اتخاذ می‌شود. بیشتر

تصمیمات بر اساس اجماع گرفته می‌شود. هنگامی که مشکلی در ایجاد اجماع در مورد موضوعی وجود دارد، بحث به گروه‌های پایه و نهادهای هماهنگی بازمی‌گردد تا زمانی که تصمیمات پذیرفته شوند و سپس، پس از تصمیم‌گیری در مورد گام‌های بعدی، تمام اعضای جنبش از آن پیروی و آن را اجرا می‌کنند. انضباط به این پیروی از تصمیمات جمعی اشاره دارد.

یک ویژگی معمول جنبش‌های اجتماعی این است که آن‌ها استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها را بر اساس روش‌های خود می‌سازند. بدون عمل و تجربه، هیچ جنبش مردمی نمی‌تواند وجود داشته باشد. با این حال، برای تفسیر مداوم واقعیت، تنها تجربه کافی نیست. به همین دلیل، اصل سازمانی دیگری که در جنبش ارزشمند است، مطالعه است. جنبش خانواده‌ها را سازماندهی کرده تا برای مدارس در شهرک‌ها و سکونتگاه‌ها مبارزه کنند، و با موفقیت بر مقامات محلی فشار آورده‌اند تا بیش از دوهزار باب مدرسه همگانی در شهرک‌های اصلاحات ارضی بسازند. علاوه بر این، پنجاه‌هزار نفر از طریق برنامه‌های سوادآموزی آن برای جوانان و بزرگسالان، چه به صورت مستقل چه در مشارکت با دولت‌های محلی، خواندن و نوشتن آموخته‌اند. جنبه دیگر مطالعه، آموزش سیاسی است، که از طریق فرایندهای مختلف مانند انتشار کتاب و جزوه، ایجاد گروه‌های مطالعه پایه، و سازماندهی دوره‌ها انجام می‌شود، که در مدرسه ملی فلورستان فرناندس گرد هم آمده‌اند. این مدرسه آموزشکده سیاسی ملی جنبش است و عضوی از ائتلاف آموزشکده‌های سیاسی مجمع بین‌المللی مردم، یک فرایند جهانی متشکل از سازمان‌های مردمی، جنبش‌های اجتماعی، احزاب سیاسی و اتحادیه‌ها به شمار می‌آید.

مدرسه ملی فلورستان فرناندس در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۵ افتتاح شد و به افتخار فلورستان فرناندس، کنشگر، جامعه‌شناس، و سیاستمدار مارکسیست برزیلی، که بنیانگذار حزب کارگران و نماینده فدرال مشارکت‌کننده در تدوین قانون اساسی برزیل پس از پایان دیکتاتوری نظامی-تجاری بود، نام‌گذاری شد. از آن زمان، این مدرسه به یک کانون مرجع بین‌المللی برای اتحاد عمل با نظریه سیاسی تبدیل شده است. در طول سال، کنشگران، رهبران و کادرهای سازمان‌های مردمی که در سراسر جهان برای تغییر اجتماعی مبارزه می‌کنند، طیف وسیعی از موضوعات، مانند متون کلاسیک نظریه سیاسی برزیلی و بین‌المللی را مطالعه می‌کنند. دوره‌ها از یک هفته تا سه ماه طول می‌کشد و توسط آموزگاران و روشنفکران داوطلب تدریس می‌شود.^[۶] همچنین آموزش‌هایی با تمرکز بر موضوعات مختلف، مانند مسئله ارضی، مارکسیسم، فمینیسم و تنوع ارائه می‌دهد. مدرسه با آموزگاران و دانش‌آموزانی که از طیف وسیعی از کشورها می‌آیند، بیشتر از سراسر آمریکای لاتین، تبادلات فرهنگی و سیاسی بین جنبش‌های مردمی را تقویت می‌کند و آموزش سیاسی در مورد چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی جهانی، همیشه از دیدگاه طبقه کارگر، ارائه می‌دهد. این مدرسه توسط کارگران بی‌زمین از سراسر برزیل ساخته شد که خود را در بریگادهای کار داوطلبانه سازماندهی کردند. مصالح ساختمانی از طریق کمیته‌های همبستگی بین‌المللی جمع‌آوری شد، و حقوق مالکیت فکری از نمایشگاه *Terra* متشکل از کار سباستیائو سالگادو، شیکو بوارکه و ژوزه ساراماگو برای تولید بودجه اهدا شد.

علاوه بر این مدرسه، جنبش مدارس دیگری را سازماندهی کرده است، مانند مؤسسه آموزشی ژوزوئه دو کاسترو، که در آموزش مدیران جوان برای تعاونی‌ها

تخصص دارد، و مدارس بوم‌شناسی کشاورزی مانند مدرسه آمریکای لاتینی بوم‌شناسی کشاورزی و مؤسسه «ادوکار» در جنوب برزیل؛ مدرسه مردمی بوم‌شناسی کشاورزی و جنگل‌داری کشاورزی آگیدو برونو در شمال شرقی برزیل؛ و انستیتوی بوم‌شناسی کشاورزی آمریکای لاتین در منطقه آمازون.

بخشی از تلاش‌ها به منظور دموکراتیزه کردن دسترسی به آموزش با برنامه ملی آموزش برای اصلاحات ارضی تجسم یافت، سیاست عمومی که در نتیجه راهپیمایی ملی به برزیلیا در سال ۱۹۹۷ اجرا شد. از طریق این برنامه، دولت برزیل راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی، از جمله برنامه‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی برای کارگران بی‌زمین را تشویق می‌کند. از طریق این برنامه، بیش از یکصد توافق‌نامه با دانشگاه‌های دولتی منعقد شده که دسترسی به دوره‌های آموزشی مهندسی کشاورزی، دامپزشکی و پرستاری، و همچنین دوره‌های تربیت معلم، در میان بسیاری دیگر را امکان‌پذیر کرده است. به این ترتیب، جنبش فضایی را که به طور سنتی نخبه‌گرا و غیرقابل دسترس بوده اشغال کرده و عالم دانشگاهی را واداشته درهای خود را به روی تجربه و دانش تولیدشده در گرامر مبارزه باز کند.

اصل کلیدی دیگر در جنبش کارگران بی‌زمین برزیل انترناسیونالیسم است، هم به عنوان یک ارزش و هم به عنوان راهبرد سیاسی. سرمایه‌داری به عنوان یک نظام جهانی، کل کره زمین را به عنوان یک میدان نبرد می‌بیند. به همین دلیل، مقاومت نیز باید جهانی باشد. جنبش کارگران بی‌زمین علاوه بر روابط خود با جنبش‌های دهقانی مانند لا ویا کامپسینا و هماهنگ‌کننده سازمان‌های روستایی آمریکای لاتین (CLOC)، در عرصه‌های گسترده‌تری مانند جنبش‌های آلبا و مجمع بین‌المللی مردم شرکت می‌کند.

باین حال، انترناسیونالیسم به مجال‌هایی برای ملاقات‌ها و جلسات بین‌المللی محدود نمی‌شود: همچنین باید از طریق عمل تجسم یابد. این امر به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد، از ساده‌ترین اعمال همبستگی با خانواده‌ها در سکونتگاه‌ها و شهرک‌ها گرفته تا ایجاد بریگادهای انترناسیونالیستی متشکل از اعضای جنبش برای کار در بازدیدهای تبادلی در زمینه‌های بوم‌شناسی کشاورزی، تولید، آموزش، و آموزش سیاسی. از زمان پایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶، بریگادهای انترناسیونالیستی جنبش کارگران بی‌زمین هم‌اینک در ونزوئلا، هائیتی، کوبا، هندوراس، السالوادور، بولیوی، پاراگوئه، گواتمالا، تیمور شرقی، چین، موزامبیک، آفریقای جنوبی و زامبیا فعالیت می‌کنند یا فعالیت کرده‌اند.

قدیمی‌ترین آن‌ها، بریگاد آپولونیو د کاروالیو، که نامش ادای احترامی ست به یک کنشگر کمونیست برزیلی که در جنگ داخلی اسپانیا و مقاومت فرانسه جنگید، در ونزوئلا فعالیت می‌کند، جایی که آموزش سیاسی ارائه می‌دهد و فنون بوم‌شناختی کشاورزی را ترویج می‌کند. بریگاد ژان-ژاک دسالین در هائیتی از سال ۲۰۰۹، سال قبل از زلزله‌ای که کشور را ویران کرد، به‌طور مشابه فعالیت می‌کند. در زامبیا، بریگاد سامورا ماچل برای پیشبرد سوادآموزی و ترویج بوم‌شناسی کشاورزی در میان دهقانان کار می‌کند. در فلسطین، بریگاد غسان کنفانی هر دو سال یک بار در برداشت زیتون در سرزمین‌هایی که توسط شهرک‌نشینان اسرائیلی تهدید می‌شوند همکاری می‌کند.

**DERRUBAR AS CERCAS
CONQUISTAR O CHÃO**



**PRODUZIR OS FRUTOS
EM COOPERAÇÃO**

@fabriciorgl

آینده مبارزه برای زمین در برزیل

برنامه اصلاحات ارضی کنونی جنبش کارگران بی‌زمین بر پایه تضادها و تقاضاهای مبارزه در روستا شکل گرفته است، که جهتی را که مبارزه برای زمین نه‌تنها در برزیل بلکه در سراسر جنوب جهانی باید دنبال کند، تعیین می‌کند. در این بخش، ما برخی از ویژگی‌های این مبارزه و چالش‌هایی را که با آن مواجه است برجسته خواهیم کرد.

مبارزه برای زمین به‌طور فزاینده‌ای بین‌المللی است. سرمایه مالی در آمد و زمین را در دستان شماری اندک در سراسر سیاره متمرکز کرده و کنترل کل زنجیره تولید کشاورزی را به تنها ۸۷ شرکت مستقر در سی کشور کاهش داده است. این شرکت‌های فراملیتی با تقاضای خود برای استانداردسازی غذا، تعیین قیمت‌ها در سطح جهانی و مداخله در قوانین و حقوق ملّی، تنوع زیستی و فرهنگ محلی را تهدید می‌کنند. این بدان معناست که مقاومت دهقانی نیز باید به‌طور فزاینده‌ای بین‌المللی باشد و از پلتفرم‌ها و اقدامات مشترک برای فشارآوردن بر سازمان‌های چندجانبه استفاده کند. بیش از همه، با این شرکت‌های فراملیتی باید در همه‌جا مبارزه شود.

مبارزه برای زمین، مبارزه بر سر فناوری است. استفاده گسترده از ارگانسیم‌های اصلاح‌شده ژنتیکی (GMO) و استفاده بی‌رویه از آفت‌کش‌ها در سرشت کشاورزی

تجاری تنیده شده است. بدون این بسته فناوریانه، تولید تک‌کشتی در مقیاس جهانی غیرممکن است. صحبت از کشاورزی تجاری «سبز» یا «پایدار» تبلیغاتی بیش نیست. برای غلبه بر این شیوه، بوم‌شناسی کشاورزی باید تقویت و در مقیاس وسیع اتخاذ شود، مانند احیای خاک و تنوع زیستی، اتخاذ و انتشار فنون و فناوری‌های جدید تولید و پساداشت محیط زیست، و ساخت ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزارهای متناسب با نیازهای دهقانان.

کشاورزی تنها بخشی نیست که در بند شرکت‌های بزرگ فناوری گرفتار شده است: تمرکز و تمرکزگرایی که ویژگی سرمایه مالی است، شرکت‌های فناوری، شرکت‌های فناوری مالی و شرکت‌های کشاورزی تجاری را به هم نزدیک‌تر کرده است، همان‌طور که در پرونده شماره ۴۶ خود، «فناوری بزرگ و چالش‌های کنونی مبارزه طبقاتی» توصیف کردیم. این گرایش، با تصاحب مقادیر عظیمی از داده‌ها از طبیعت، که سپس در زیرساخت ابری که در ید قدرت شمال جهانی ست، «محبوس» می‌شود، استاندارد فناوری برای ماشین‌آلات را تعیین می‌کند.

مبارزه برای زمین، مبارزه برای غذاست. همه‌گیری کووید-۱۹ نشان داد شرکت‌های فراملیتی چگونه از بحران جهانی برای افزایش قیمت‌های مواد غذایی و کسب سود از سوداگری بهره‌برداری کردند. اما تحمیل منطق بازار مالی بر خوراکی‌ها پیامدهای دیگری نیز دارد، مانند کاهش تولید محصولات سنتی یا محلی و جایگزینی آن‌ها با کالاهایی که بازارپذیری بیشتری دارند. محصولات مانند سویا، که برای تولید سوخت و خوراک حیوانات کشت می‌شوند، مزارعی را که قبلاً برای مصرف انسان خوراک تولید می‌کردند به برهوت‌های محصولات تک‌کشتی-کالایی تبدیل کرده.

علاوه بر این، معاملات آتی در کالاهای کشاورزی در بورس سهام و کالا خطر بحران‌های غذایی را افزایش می‌دهد. کشاورزی تجاری در مواقعی هم که تولید غذا برای مصرف انسان را کاهش نمی‌دهد یا دسترسی به آن را مانع نمی‌شود، در حال تولید غذای با کیفیت نازل است که پر است از باقی‌مانده‌های آفت‌کش‌ها.

مبارزه برای زمین، مبارزه برای محیط زیست است. کشاورزی تجاری یکی از عوامل کلیدی مسئول فاجعه آب‌وهوایی و زیست‌محیطی ست، عمدتاً به دلیل جنگل‌زدایی در مقیاس بزرگ برای بازکردن راه برای محصولات کالایی و دامپروری گسترده، که همچنین مقادیر زیادی کربن منتشر می‌کنند. علاوه بر این، گسترش الگوی کشاورزی تجاری نیازمند مصرف بیش از حد و بدون نظارت منابع آب، ناپدیدشدن انواع گیاهی سنتی و بذرها، و تأثیرات فوری زیست‌محیطی مانند کاهش تنوع زیستی خاک است.

درهم‌تیدن مبارزات برای زمین و محیط زیست مستلزم محکوم کردن راه‌حل‌های دروغین سرمایه‌داری سبز، مانند بازار اعتبار کربن است. در این زمینه، جنبش کارگران بی‌زمین در سال ۲۰۱۹ ابتکاری را برای کاشت یکصد میلیون اصله درخت در سراسر کشور در سال‌های آینده راه‌اندازی کرد، که تأثیر فوری و ملموسی خواهد داشت. طی چهار سال اول این ابتکار، جنبش تاکنون ۲۵ میلیون اصله درخت کاشته است.

جنبش کارگران بی‌زمین مبارزات برای محیط زیست، فناوری و غذا را یکپارچه می‌سازد. یک نمونه کامل از این یکپارچگی، شهرک‌های اصلاحات ارضی در منطقه

کلانشهری پورتو آلگره در جنوب برزیل است، که بزرگ‌ترین تولیدکننده برنج بوم‌شناختی کشاورزی در آمریکای لاتین به شمار می‌آید. در اینجا، بیش از هزار خانوار به صورت منفرد یا در قالب تعاونی‌های محلی تولید می‌کنند، همه از طریق یک تعاونی مرکزی سازماندهی شده‌اند که کمک فنی ارائه می‌دهد و صنعتی‌سازی کشاورزی و تجاری‌سازی محصولات نهایی را مدیریت می‌کند. خانواده‌ها در مدیریت فنی، اقتصادی و سیاسی در شهرک‌ها شرکت می‌کنند و مسئول نظارت بر تولید بوم‌شناختی کشاورزی و تضمین گواهی بوم‌شناختی کشاورزی هستند. تولید برنج بوم‌شناختی کشاورزی، ارگانیک، به نمادی از ظرفیت تولیدی در مقیاس کلان بوم‌شناختی کشاورزی و همچنین تعهد جنبش کارگران بی‌زمین به تغذیه سالم و همبستگی تبدیل شده است، زیرا مقادیر زیادی حبوبات اغلب به آشپزخانه‌های اجتماعی شهری در منطقه و به کشورهای دیگر اهدا می‌شود.

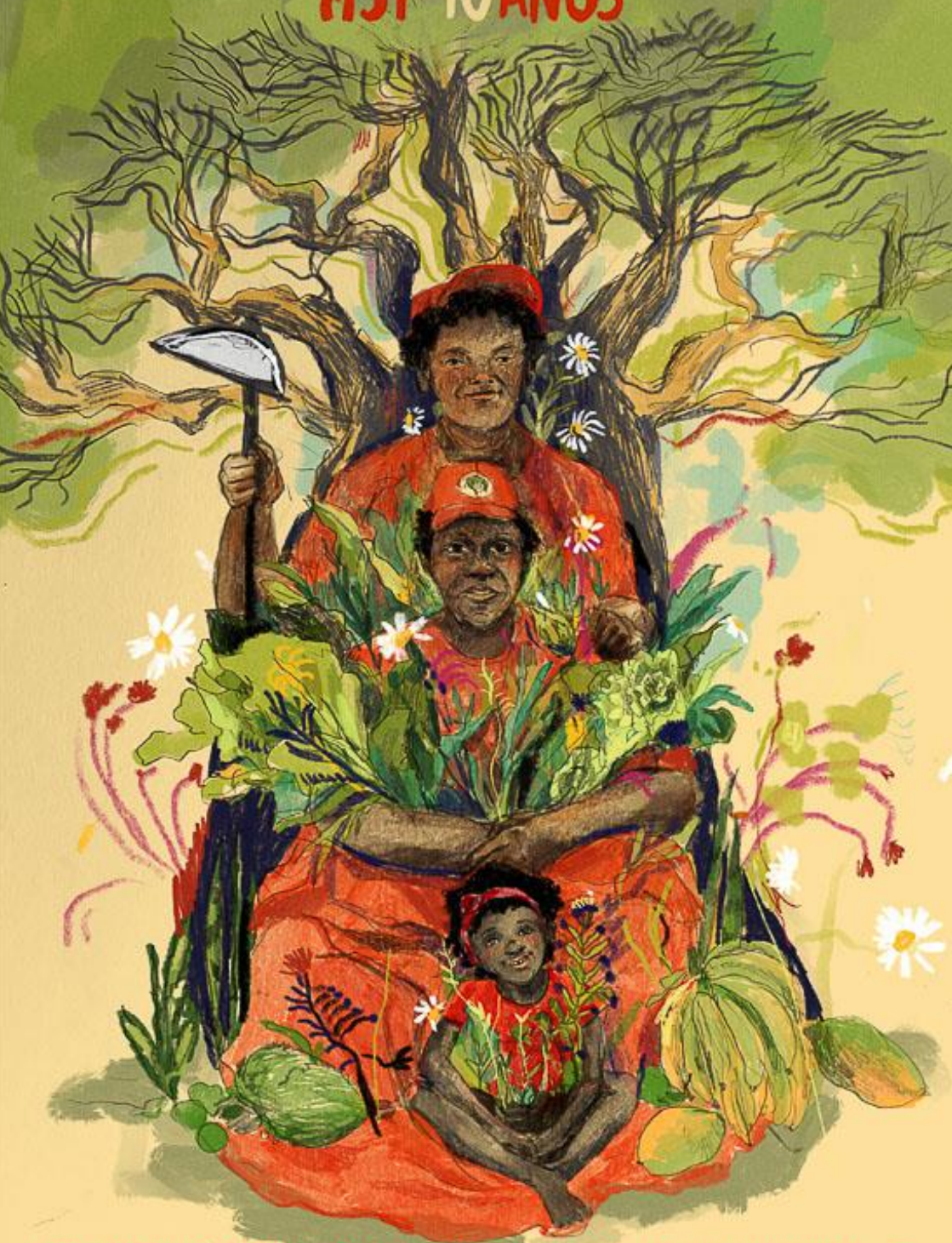
مبارزه برای زمین، نبردی بر سر فرهنگ است. سیطره کشاورزی تجاری نه تنها با تحکیم سلطه اقتصادی و فناوری، بلکه با پراکندن ارزش‌های نولیبرالی و دفاع از کشاورزی تجاری به عنوان «شیوه زندگی» از طریق سازوکارهای فرهنگی بی‌شمار، تبلیغات مداوم در تلویزیون، حمایت مالی از رسانه‌ها، و سازماندهی نمایش‌ها و تأمین مالی هنرمندانی که در وصف و مدح مزارع تک‌کشتی می‌خوانند به دست می‌آید. ساختن یک الگوی کشاورزی سیطره‌ستیز مستلزم تغییر شیوه تولید کشاورزی و روابط اجتماعی در روستا از طریق بوم‌شناسی کشاورزی، همکاری و مطالعه، به منظور مقابله با تک‌کشتی، فردگرایی، و جهل است.

بوم‌شناسی کشاورزی با پرداختن به محیط زیست، سلامت، دانش مردمی و علمی،

و آشکال متنوع فرهنگ مردمی، به انتقال این پیام کمک کرده است که یک شیوه کشاورزی جایگزین وجود دارد. کلکتیو فرهنگی جنبش کارگران بی‌زمین نمونه‌ای از چگونگی رشد این پدیده است. این کلکتیو در مسیر تولید و تقویت فرهنگ خود در زمینه‌های ادبیات، تئاتر و هنر پیش می‌رود و در رابطه جنبش با جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند، از طریق سازماندهی جشنواره‌های اصلاحات ارضی در سطح ایالت که شبیه نمایشگاه‌های ایالتی هستند، شامل فروش فراورده‌های کشاورزی همراه با فعالیت‌های فرهنگی و برنامه‌های موسیقی متشکل از اعضای جنبش و حامیان آن‌ها. این جشنواره‌ها نسخه‌های محلی نمایشگاه ملی اصلاحات ارضی در سائوپائولو هستند، که چهارمین دوره آن در سال ۲۰۲۳ بیش از ۳۲۰'۰۰۰ بازدیدکننده را در طول چهار روز رویداد جذب کرد.

در نهایت، مبارزه برای زمین بخشی از مبارزات فراگیر طبقه کارگر و به آن وابسته است. دهقانان به‌تنهایی قدرت مقابله با شرکت‌های بزرگ فراملیتی کشاورزی تجاری را ندارند. برای شکست آن‌ها، و سرمایه مالی که حامی آن‌هاست، به یک جنبش توده‌ای قدرتمند نیاز داریم. این امر فرصت‌هایی برای سوسیالیسم ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، از آنجاکه مرحله کنونی سرمایه‌داری باعث شده الگوی شرکت‌های فراملیتی کشاورزی تجاری به قدرتمندترین شکل تاریخی خود برسد، هر شکستی که بر این الگو وارد می‌شود، به‌طور بالقوه ظرفیت آن را دارد که، و باید ضد سرمایه‌داری باشد. بنابراین، این شکست‌ها، به پیشبرد پروژه‌ای برای رهایی انسان که توسط دهقانان در اتحاد با کارگران شهری ساخته شده است، یاری می‌رسانند.

MST 40 ANOS



PARA COMPANHEIRA JÚLIA DO ACAMPAMENTO MARIELLE VIVE! VALINHOS -SP

یادداشت‌ها

[۱] اولین طرح اصلاحات ارضی ملی در سال ۱۹۸۵، پس از سقوط دیکتاتوری تجاری-نظامی اعلام شد، اما هرگز به مرحله اجرا نرسید.

[۲] همان‌طور که جنبش کارگران بی‌زمین در نشریه خود با عنوان یادداشت‌های *ITERRA* توضیح می‌دهد، رویکرد آموزشی این جنبش «بر این پایه استوار است که فاعلان شناسای اجتماعی در جنبش‌های مردمی شکل می‌گیرند و در این فضاهاست که فرایندهای اساسی رشد و آموزش انسانی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، فاعلان شناسای اجتماعی در پویایی مبارزه اجتماعی سازمان‌یافته، که پایه مادی فرایندهای آموزشی جنبش کارگران بی‌زمین است، شکل می‌گیرند و می‌آموزند. این جنبش همچنین بر این باور است که مبارزه اجتماعی که فاعلان شناسا را شکل می‌دهد، جامعه و زندگی مردم را به‌عنوان یک کنش انقلابی تولید و بازتولید می‌کند.»

[۳] پیش از ورود پرتغالی‌ها، سرزمینی که بعدها برزیل نامیده شد، محل سکونت حدود پنج‌میلیون نفر بود که در جوامع روستایی زندگی می‌کردند و عملیات شکار، ماهیگیری، جمع‌آوری و کشت‌و‌زراع را به‌صورت جمعی انجام می‌دادند.

[۴] یادداشت مترجم انگلیسی: کیلومبوها، که گاهی تحت عنوان «جوامع مارونی» ترجمه می‌شوند، سکونتگاه‌های روستایی بودند که توسط کسانی که از بردگی گریخته بودند، تأسیس شدند و به محل مقاومت تبدیل شدند و ساختار سازمانی خود را ایجاد کردند. جوامعی که فرزندان آن‌ها در آن زندگی می‌کنند، که به کیلومبولا معروف هستند، از زمین و حقوق و مزایای اجتماعی ویژه‌ای مشابه با مناطق حفاظت‌شده بومی برخوردارند.

[۵] یادداشت مترجم انگلیسی: گروه‌های پایه، یک واحد سازمانی اساسی در جنبش کارگران بی‌زمین، مجموعه‌ای کوچک و مردمی از خانوارها یا افراد بی‌زمین هستند که به‌عنوان سپهر اصلی برای آموزش سیاسی، تصمیم‌گیری و هماهنگی فعالیت‌ها عمل می‌کنند. ساختار و عملکرد گروه‌های پایه، تعهد جنبش به دموکراسی مشارکتی، سازماندهی مردمی، و ایجاد یک جامعه جایگزین و عادلانه‌تر را منعکس می‌کند.

[۶] برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نقش روشنفکران در کار ما، به پرونده شماره ۱۴، مورخ ۱۱ فوریه ۲۰۱۹، مراجعه کنید:

Tricontinental: Institute for Social Research, *The New Intellectual*,
<https://thetricontinental.org/the-new-intellectual/>

Mariana Castro, 'MST completa 37 anos e mostra a força da agricultura familiar durante a pandemia' [The MST Turns 37 and Shows the Strength of Family Farming during the Pandemic], *MST*, 22 January 2021, <https://mst.org.br/2021/01/22/mst-completa-37-anos-e-mostra-a-forca-da-agricultura-familiar-durante-a-pandemia/>.

Comissão Pastoral da Terra [Pastoral Land Commission]. *Conflitos no campo Brasil 2022* [Conflicts in Brazil's Countryside 2022]. Goiânia: CPT Nacional, 2023. <https://www.cptnacional.org.br/downlods/download/41-conflitos-no-campo-brasil-publicacao/14302-livro-2022-v21-web>.

Departamento Intersindical de Estatística e Estudos Socioeconômicos (DIEESE) [Inter-Union Department of Statistics and Socioeconomic Studies]. *Estatísticas do meio rural 2010–2011* [Rural Statistics 2010–2011]. 4th edition. Brasília: Departamento Intersindical de Estatística e Estudos Socioeconômicos, Núcleo de Estudos Agrários, and Desenvolvimento Rural / Ministério do Desenvolvimento Agrário, 2011. <https://www.dieese.org.br/anuario/2011/anuarioRural10-11.html>.

Frente Parlamentar da Agropecuária (FPA) [Parliamentary Agricultural Front]. 'Todos os membros' [All Members]. 25 July 2023. <https://fpagropecuaria.org.br/todos-os-membros>.

Greco Martins, Adalberto Floriano. *A produção ecológica de arroz e a reforma agrária popular* [Ecological Rice Production and Popular Agrarian Reform]. São Paulo: Expressão Popular, 2019.

Greco Martins, Adalberto Floriano. *A Questão Agrária no Brasil: da colônia ao governo Bolsonaro* [The Agrarian Question in Brazil: From the Colony to the Bolsonaro Government]. Volume 10. São Paulo: Expressão Popular, 2022.

Instituto Técnico de Capacitação e Pesquisa da Reforma Agrária (ITERRA). *Cadernos do Iterra no. 9 – Método Pedagógico* [ITERRA Notebooks no. 9: Pedagogical Method]. Veranópolis: ITERRA, 2004.

<https://www.scribd.com/document/622870231/ITERRA-Nº-09-Metodo-Pedagogico-2004>.

Instituto Brasileiro de Geografia e Estatística (IBGE) [Brazilian Institute of Geography and Statistics]. *Censo Agropecuário, Florestal e Aquícola 2017* [Agricultural, Forestry, and Aquaculture Census 2017]. Accessed 29 March 2024. <https://censoagro2017.ibge.gov.br>.

Jakobskind, Mário Augusto. 'Stedile faz palestra na escola superior de guerra' [Stedile Gives a Lecture at War College]. 19 July 2006. <https://mst.org.br/2006/07/19/stedile-faz-palestra-na-escola-superior-de-guerra/>.

Maestri, Mario. 'A Aldeia ausente: índios, caboclos, cativos, moradores e imigrantes na formação da classe camponesa brasileira' [The Absent Village: Indians, Caboclos, Captives, Residents, and Immigrants in the Formation of the Brazilian Peasant Class]. In *A questão agrária no Brasil, volume 2 – O debate na esquerda 1960–1980* [The Agrarian Question in Brazil, Volume 2: The Debate on the Left 1960–1980]. Organised by João Pedro Stedile. São Paulo: Expressão Popular, 2005. 217–276.

Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra (MST) [Landless Rural Workers' Movement]. *Normas gerais e Princípios Organizativos* [General Rules and Organisational Principles]. Training Notebook no. 40, 2016. <https://www.scribd.com/document/622870064/Caderno-nº-40-Normas-gerais-e-principios>.

MST. 'With Another Donation, the Landless Workers Movement (MST) Sends Out another 11 Tons of Food to Families in Gaza'. 8 December 2023. <https://mst.org.br/2023/12/08/with-another-donation-the-landless-workers-movement-mst-sends-out-another-11-tons-of-food-to-families-in-gaza/>.

MST. *Programa de Reforma Agrária Popular* [Popular Agrarian Reform Programme]. 2024. Unpublished.

MST. 'O MST: Nossa historia: 97–99' [The MST: Our History: 97–99]. Accessed 27 February 2024. <https://mst.org.br/nossa-historia/97-99/>.

MST. 'O MST: Nossa produção' [The MST: Our Production]. Accessed 27 February 2024. <https://mst.org.br/nossa-producao/>.

MST. 'Educação MST' [MST Education]. Accessed 27 February 2024. <https://mst.org.br/educacao/>.

Pina, Rute. 'Só 87 empresas controlam a cadeia produtiva do agronegócio' [Just

87 Companies Control the Agribusiness Supply Chain]. *Brasil de Fato*, 4 September 2018. <https://www.brasildefato.com.br/2018/09/04/so-87-empresas-controlam-a-cadeia-produtiva-do-agronegocio/>.

Salgado, Sebastião. *Terra: Struggle of the Landless*. London: Phaidon Press, 1997.

Spadotto, Cláudio Aparecido and Marco Antonio Ferreira Gomes. ‘Agrotóxicos no Brasil’ [Agrotoxins in Brazil]. *Embrapa*, 22 December 2021. <https://www.embrapa.br/agencia-de-informacao-tecnologica/tematicas/agricultura-e-meio-ambiente/qualidade/dinamica/agrotoxicos-no-brasil#:~:text=Expresso%20em%20quantidade%20de%20ingrediente,agr%C3%A9cola%20aumentou%2078%25%20nesse%20per%C3%AAdodo.>

Sudré, Lu. ‘Conheça a Escola Nacional Florestan Fernandes, há 15 anos formando militantes’ [Get to Know the Florestan Fernandes National School, Which Has Been Training Militants for 15 Years]. *MST*, 24 January 2020. <https://mst.org.br/2020/01/24/conheca-a-escola-nacional-florestan-fernandes-ha-15-anos-formando-militantes/>.

Tricontinental: Institute for Social Research. ‘Complexo da Soja: Análise dos dados nacionais e internacionais’ [The Soy Complex: Analysing National and International Data]. 13 November 2019. <https://thetricontinental.org/pt-pt/brasil/complexo-da-soja-analise-dos-dados-nacionais-e-internacionais/>.

Tricontinental: Institute for Social Research. *Popular Agrarian Reform and the Struggle for Land in Brazil*. Dossier no. 27, 6 April 2020. <https://thetricontinental.org/dossier-27-land/>.

Tricontinental: Institute for Social Research. *Big Tech and the Current Challenges Facing the Class Struggle*. Dossier no. 46, 1 November 2021. <https://thetricontinental.org/dossier-46-big-tech/>.

Tricontinental: Institute for Social Research. *Gramsci in the Midst of Brazil’s Landless Workers’ Movement (MST): An Interview with ‘Militante’ Neuri Rossetto*. Dossier no. 54, 19 July 2022. <https://thetricontinental.org/dossier-54-gramsci-mst-rossetto/>.



Attribution-NonCommercial 4.0
International (CC BY-NC 4.0)

This publication is issued under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license. The human-readable summary of the license is available at <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.

تری کنتیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی می‌کوشد یک پل ارتباطی میان کنشگران سیاسی و اجتماعی از نخله‌های گوناگون بنا کند تا محملی شود برای تفکر نقادانه، و تولید و انتشار محتوای تحلیلی و پژوهشی که در خدمت آرمان‌های رهایی‌بخش مردم در جنوب جهانی‌ست.



خانه آمریکای لاتین به‌عنوان شریک منطقه‌ای تری کنتیننتال همین هدف مشترک را دنبال می‌کند: ایجاد فضایی برای تبادل نظر و هم‌اندیشی درباره مسائل جاری، به‌منظور تقریب دیدگاه‌ها و تقویت همبستگی میان تمام کسان و جریان‌هایی که خود را به آرمان‌های رهایی‌بخش پایبند می‌دانند.

مطالب تری کنتیننتال فارسی در نشانی زیر منتشر می‌شود:

<http://t.me/TricontinentalFarsi>